

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده قرعه  
موضوع جزئی: فصل دوم: ادله مشروعیت قرعه \_ دلیل اول: آیات  
تاریخ: ۱۲ آبان ۱۳۹۸  
مصادف با: ۵ ربیع الاول ۱۴۴۱  
جلسه: ۹

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

**خلاصه جلسه گذشته**

در اثبات مشروعیت قرعه از دلیل اول یعنی آیات، یک آیه مورد اشاره قرار گرفت. آیه اول آیه ۱۴۱ سوره صافات است؛ تقریب استدلال به این آیه به سه نحو بیان شد، طبق یک بیان استدلال محتاج ضمیمه نیست اما طبق آن دو بیان دیگر نیازمند ضمیمه است.

**اشکال به تقریب اول**

اشکالاتی به استدلال به این آیه ایراد شده که البته برخی متوجه تقریب اول است و برخی به تقریب دوم و نیز برخی دیگر به تقریب سوم. منتهی ما در ضمن بیان این تقریب ها به نوعی پاسخ این اشکالات را دادیم و نیازی نیست که تک تک این اشکالات مطرح شود.

**اشکال اول**

یکی از این اشکالات این است که چطور می شود صرف حکایت قضیه حضرت یونس در این آیه، دال بر مشروعیت است. مسئله امضاء غیر از حکایت است و در این آیات صرفا داستان حضرت یونس حکایت شده مانند حکایت پیامبران دیگر و این چگونه می تواند دال بر مشروعیت قرعه در شریعت اسلام باشد و یا حتی مشروعیت قرعه در خود شریعت یونس را ثابت می کند.

**پاسخ**

این را ما در ضمن تقریب استدلال گفتیم که به هر حال حکایت این داستان آنهم با آن کیفیت که خداوند متعال فرمود قرعه انداختند و قرعه به نام یونس در آمد و او را به دریا انداختند، اگر مورد پذیرش نبود و امضاء نشده بود، حتما باید به نوعی این عمل قوم مورد سرزنش می گرفت در حالی که هیچ ملامتی نسبت به این کار از اول تا آخر وجود ندارد. این را ما در ضمن بیان تقریب اول توضیح دادیم و لذا مشکلی از حیث امضاء وجود ندارد.

**اشکال دوم**

وقتی کشتی با خطر مواجه شد طبق برخی نقل ها و یا اینکه کشتی از جای خود حرکت نمی کرد، تصمیم بر این شد که قرعه بیاندازند و قرعه هم به نام یونس در آمد و یونس چاره ای نداشت که تصمیم سرنشینان کشتی را بپذیرد؛ یعنی راه

دیگری برای او نبود و لذا اینکه جمعی تصمیم گرفتند یونس را با قرعه به دریا بیاندازند و او هم توان مقابله با آن‌ها را نداشت دلیل بر مشروعیت قرعه نمی‌شود. این مانند خیلی دیگر از کارهای دیگری است که بر انبیاء تحمیل می‌شد.

#### پاسخ

پاسخ این اشکال هم اجمالا قبلا اشاره شد ولی اگر بخواهیم توضیح بیشتری دهیم، پاسخ این است که در این آیه هیچ گزارش و اشاره‌ای به ناچار بودن حضرت یونس و مخالفت او با این روش بیان نشده. اینکه در هر چهار نقل داستان مربوط به حضرت یونس این مطلب آمده که سه بار قرعه انداخته شد شاهد است بر اینکه اجبار در کار نبوده است. اگر حضرت یونس مجبور بود و این مطابق میلش نبود، همان بار اول اعتراض می‌کرد و بار دوم و سوم قرعه به میان نمی‌آمد در حالی که چنین اعتراضی وجود ندارد، بعلاوه اینکه در نقل اول و نقل چهارم که سخن از عبد ابق به میان آمده بود، خود مردم نمی‌پذیرفتند که قرعه به نام یونس در آمده است. پس اینطور نبوده که تحمیلی از ناحیه سرنشینان کشتی بوده باشد.

سوال:

استاد: مهم این روش است، اینکه نتیجه چیست مهم نیست. آیا او ناچار به پذیرش بوده؟ آیا روش بهتری وجود داشته؟ لذا به نظر می‌رسد که اشکالاتی که به تقریب اول می‌تواند ایراد شود، هیچکدام وارد نیست.

سوال:

استاد: عرض کردم که اگر این روش مورد پذیرش نبود و از نظر شارع مردود بود، باید سرزنشی نسبت به کسانی که با این روش یونس را به کشتی انداختند اظهار می‌شد.

سوال:

استاد: اولاً این یک امر عقلایی است و معلوم می‌شود که عقلاً در مشکلات این کار را می‌کردند و فرقی بین متدینین و غیر متدینین نمی‌کرد. مهم این است که آیا این روش و سیره عقلاً را شرع امضاء کرده یا نه؟ آنچه ما از این می‌فهمیم، امضاء روشی است که اصل تحققش بین عقلاً مسلم است.

عمده این است که آیا ما در تقریب اول امضاء خداوند متعال نسبت به قرعه را می‌توانیم استفاده کنیم یا خیر که جواب مثبت است. چون این صرف یک حکایت نیست چون مجموع حواشی و اتفاقات پیرامون این داستان، نشان می‌دهد این روش و سیره عقلایی پذیرفته شده چون هیچ سرزنش و منعی نسبت به آن نیست و لذا درست است که قرعه از احکام خاص شریعت نیست که تاسیس شده باشد ولی امضاء دارد و کأن مشکلی با این روش و سیره ندارد.

سوال:

استاد: طبق تقریب دوم فاعل «سَاهَمَ» می‌شود یونس به قرینه «أَبَقَ» در آیه قبل و اگر چنین باشد می‌شود عمل پیامبر خدا و در حجیتش شکی نیست.

سوال:

استاد: عرض شد که اصلا چنین نیست، برای اینکه اول خود مردم قرعه را قرار می دهند که یونس را از این مخلصه نجات دهند چون او خود را عبد آبق معرفی کرد. ثانيا بار اول که قرعه به نام او زده شد، مردم نپذیرفتند و قرعه تا سه بار تکرار شد و این نشان دهنده این است که مسئله تحمیل در میان نیست.

سوال:

استاد: چرا قیاس مع الفارق می کنید؟ در داستان حضرت ابراهیم معلوم است که دارند ظلمی می کنند ولی اینجا اصلا بحث ظلم نیست. لذا اصلا آنجا تخصصا از موضوع اینکه بخواهیم استفاده مشروعیت کنیم خارج است. امضاء یعنی عدم ردع، منع و سرزنش که در مجموع این چند آیه دیده نمی شود در روایات هم چنین چیزی نقل نشده و لذا به نظر می رسد که تقریب اول مشکلی در اثبات مشروعیت قرعه ندارد.

### اشکال به تقریب دوم، استدلال و پاسخ آن

ما در تقریب دوم و در بحث از مشروعیت قرعه در شرایع سابقه هم به این آیه اشاره کردیم که قدر مسلم این که قرعه در گذشته و در شرایع سابقه مشروع بوده مخصوصا اگر فاعل «سَاهَمَ» را خود یونس بدانیم، منتهی برای اثباتش در شریعت اسلام نیاز به استصحاب شرایع سابقه داریم. اشکالی که به تقریب دوم می تواند مطرح شود همین استصحاب شرایع سابقه است که اگر آن را جاری و حجت بدانیم، دیگر نسبت به تقریب دوم هم اشکالی وارد نیست.

### اشکال به تقریب سوم، استدلال و پاسخ آن

در تقریب سوم هم گفتیم که آیه به تنهایی نمی تواند اثبات مشروعیت کند و به کمک روایات مشروعیت ثابت می شود. اشکالی که به این تقریب وارد است این است که چرا آیه به تنهایی نمی تواند اثبات مشروعیت کند؟ چون ما گفتیم که بعضی آیات می توانند خودشان دلیل اثبات باشند. سلّمنا که این آیه به تنهایی نمی تواند دلیل برای اثبات باشد ولی بالاخره به کمک روایات که می تواند اثبات شود و در نتیجه مشروعیت قرعه ثابت می شود. به هر حال چه بدون ضمیمه و چه با ضمیمه بالاخره می توانیم استناد کنیم به این آیه برای مشروعیت قرعه.

### آیه دوم

آیه دیگر، آیه ۴۴ سوره آل عمران است که ما قبلا در بحث قرعه در شرایع سابقه به آن اشاره کردیم که مربوط می شد به حضرت مریم و تکفل او و اینکه چه کسی تکفل مریم را به عهده بگیرد که کار به قرعه کشیده شد و نهایتا قرعه به نام زکریا در آمد. آیه این است «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ»، در این آیه خداوند متعال به پیامبر میفرماید که این از خبر های غیبی است که به تو وحی می شود، آن زمانی که آن ها قلم ها خود را در رودخانه و در آب می انداختند تا معلوم شود که کدام یک تکفل مریم را بر عهده

بگیرند تو حضور نداشتی و همچنین آن زمانی که علمای بنی اسرائیل برای کسب کفالت مریم با هم منازعه داشتند و قلم های خود را در آب انداختند تو حضور نداشتی و همه اینها را ما به تو وحی کردیم.

آنجا وقتی بحث تکفل مریم پیش آمد زکریا استدلال کرد که این خاله اش در خانه ما است ولی این استدلال مورد قبول قرار نگرفت و بنا بر قرعه شد. سپس قرار شد آن قلم ها را در رودخانه بیاندازند و هر قلمی که روی آب آمد، او تکفل مریم را بر عهده بگیرد. آنها قلم ها را انداختند و قلم زکریا روی آب قرار گرفت و جالب این است که اینجا هم این عمل سه بار تکرار شد.

دلالت این آیه بر مشروعیت قرعه واضح تر و روشن تر از آیه قبلی است، چون در اینجا اولاً خود شرکت کنندگان هم از علماء بنی اسرائیل بودند و خود زکریا هم از انبیاء بوده و دیگر اینکه اینها با هم در این کار شرکت کردند و سه بار هم تکرار شد و این دیگر به مراتب وضوحش از آیه ۱۴۱ سوره صافات بیشتر است و مشروعیت قرعه در آن زمان را قطعاً ثابت می کند.

سوال:

استاد: بالاخره آیه نقل عمل پیامبر را کرده و عمل غیر مشروع از پیامبر سر نمی زند. البته جزییات این داستان از برخی روایات و تواریخ فهمیده می شود.

سوال:

استاد: کیفیت این کار تأثیری در استدلال ما ندارد چون قرعه در اقوام مختلف به اشکال مختلف صورت می گرفته. نکته که باید عرض شود این است که ما جهات هفتگانه را که قبلاً گفتیم، به حسب قاعده باید اینها را در فصل سوم بررسی کنیم که آیا قرعه مختص به حق الناس است و یا شامل حق الله هم می شود؟ آیا درجایی که له واقع معین جریان پیدا می کند و یا لم یکن له واقع معین هم قرعه جای دارد؟ آیا در احکام هم جاری می شود و یا فقط در موضوعات هست؟ آن موضوعاتی که بسیار مهم است در تعیین گستره، یک راهش این است که الان این جهات را در مورد این ادله بررسی کنیم و حسنش این است که شما حضور ذهن دارید و راه دیگرش این است که در فصل سوم بررسی کنیم. اجمالاً مهم این است که گستره قاعده که بعداً در فصل سوم در آن وارد خواهیم شد، در واقع تعیین محدوده اجرای قرعه است که این را باید از ادله استفاده کنیم. مثلاً در همین داستان حضرت مریم آیا له واقع معین؟ یا لم یکن له واقع معین بالاخره چه کسی باید متکفل شود؟ این جریان قرعه را عام می کند. آیا این حق الناس است یا حق الله؟ اینها باید مورد بررسی قرار گیرد.

«والحمد لله رب العالمین»